

تسبیحی که در روز شنبه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۳۷ در تهران
مقامت وزارت امور خارجه فرانسه در تهران
توسط آقایان ...
توسط آقایان ...
توسط آقایان ...

پنجاه و سه نفر

عطا آیتی

برخورد سرکوبگرانه حکومت رضاشاه با مخالفان خود و تحمل نکردن حضور آنها، به ویژه در خارج از کشور (از جمله در کشورهای آلمان و فرانسه)، جایگاه تحقیقی خاصی در حوزه تاریخ معاصر ایران دارد. در همین راستا، هنگامی که دانشجویان ایرانی مقیم شهر گرونوبل فرانسه در سال ۱۹۲۹ اقدام به تبلیغاتی بر ضد دولت ایران در چهارچوب انجمن دانشجویی و نشر روزنامه بیرق انقلاب کردند، واکنش مقامات ایرانی برای خاموش کردن این حرکت، فشار بر دولت فرانسه را در پی داشت. همین شیوه هم در برابر چاپ روزنامه پیکار و سپس نهضت در آلمان به کار گرفته شد. فشار بر دولت فرانسه جهت جلوگیری از تبلیغات بر ضد دولت رضاشاه زمینه شناخت مخالفان او را برای مأموران امنیتی فرانسه مهیا ساخت که اسناد مربوط به این موضوع در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه گویای گوشه‌ای از این قضایا می‌باشد. سند زیر مربوط به دادگاه گروه معروف به ۵۳ نفر است و به نشانی: *Asie 1918-1940/Perse No 89,90,91 et 135* وزارت امور خارجه فرانسه نگهداری می‌شود.

* * *

[۱]

تهران ۲۱ نوامبر ۱۹۳۷
شماره ۲۲۱
محرمانه

از: بودار* سفیر فرانسه در ایران

* Bodard.

به: عالیجناب آقای وزیر امور خارجه

موضوع: دادگاه ۵۳ نفر کمونیست

بدبینی ایران نسبت به کشور همجوار شمالی اش اتحاد جماهیر شوروی تاریخچه دیرینه‌ای دارد. به نظر می‌رسد که به چنین بدبینی مرام کمونیستی روح نوینی دمیده باشد. در گذشته، روسیه کشوری سلطه‌گر و کشورگشا محسوب می‌شد، ولی امروز بلشویکها با افکار کمونیستی خود شعله آتش جانسوز را در میان افکار عمومی در ایران برافروخته‌اند که بدان وسیله روح را مغشوش و مسموم کرده‌اند.

بحث و مجادله دربارهٔ این مرام در جامعه ایران وجود دارد. کتاب، جزوه و نوشته نیز به چاپ می‌رسانند، شاید جملگی این عوامل دال بر این است که آنها از چنین افکاری بیم و هراس در دل دارند.

نگاه ایران به مسلک کمونیسم تحقیرآمیز است و از آن دوری می‌ورزد چنانچه که در ردّ اندیشه فاشیستی تردیدی به خود راه نمی‌دهد. حکومت پادشاهی مطلقه بر این کشور حکمفرماست و نظر سلطان آن لاجرم خواهان این است که اوضاع بر این منوال باقی بماند. با تمام این احوال، پادشاه ایران به منظور توسعه کشور خود به تأسیس کارخانه‌های مدرن اهتمام ورزیده و ادارات آن را بازسازی کرده و به آنها سازمان نوینی بخشیده است و برای نیل به اهداف خود و اجتناب از استخدام کارشناسان بیگانه، جوانان کشورش را به فراگیری علوم جدید تشویق می‌نماید.

افکار مسلک کمونیستی آنقدر سیال، پیچیده و درهم هستند که به سهولت نمی‌توان خوب و بد را از یکدیگر تشخیص داد و به عمق آنها پی برد و مانع رسوخ کج‌اندیشی در بین مردم شد. در چنین موقعیتی و با چنین افکاری بود که حزب سوسیالیست (کمونیست) ایران پا به عرصه سیاست گذاشت. اگر این امر حقیقت داشته باشد که یک مخالف نیمی از یک فرد انقلابی را تشکیل می‌دهد، در این صورت، مسئولیت نظام ایران ناآگاهانه در تبلور چنین مخالفت‌هایی سهم قابل توجهی دارد.

به نظر می‌رسد مدت مدیدی است که در ایران افراد مخالف، انقلابی و، شاید بتوان گفت، افرادی با مرام کمونیستی پیدا شده‌اند و این مرام در بین استادان دانشگاه، دانشجویان، پزشکان، وکلا و کارگران نفوذ کرده آنان را به این اندیشه مجذوب می‌کند. البته سخنی از رسوخ این مرام در بین نیروهای نظامی و یا از نظامیان کمونیست نیست و چنین امری تاکنون به حالت مرمری نهفته باقی مانده است.

از پلیس شاهنشاهی ایران می‌توان به عنوان یکی از نهادهای متجدد، فعال و کارآمد با دامنه‌ای گسترده اشاره نمود که از سال ۱۹۳۴ با تدابیر امنیتی شدید خود توانسته





Copie : Direction d'EUROPE sous le n° 222



REPUBLIQUE FRANÇAISE 152
- 2 DEC 1938 -
TÉHERAN, le 21 Novembre 1938

LÉGATION DE FRANCE
EN
IRAN

CONFIDENTIEL

6367.1 at Tehran
2/12/38

A. BODARD, MINISTRE DE FRANCE EN IRAN

Direction des Affaires
Politiques et Commerciales.

à
SON EXCELLENCE MONSIEUR LE MINISTRE DES
AFFAIRES ÉTRANGÈRES
à PARIS.

S.D. d'ASIE-OCEANIE

N° 222

20 NOV 1938
Cabinet du Ministre



Le procès communiste des
"Cinquante-trois".

La méfiance de l'Iran envers sa voisine
l'U.R.S.S. est traditionnelle. C'est une méfiance que l'idéologie
communiste semble devoir ranimer en la renouvelant. Hier, la Russie
était la "pieuvre tentaculaire", le monstre envahisseur : on mettait
l'allégorie en tapis. Aujourd'hui, c'est la "Gorgone bolchevick",
le dragon communiste dont l'haleine brûle et empoisonne les esprits.
On en discute, on en écrit, on en tremble peut-être.

L'Iran horrit le communisme et rejette le
fascisme. C'est une monarchie absolue et l'opinion de son roi est
que l'Iran doit le rester. Malheureusement, pour euro-péaniser son
pays, ce même roi a créé des usines et des administrations modernes,
et pour se passer des mercenaires étrangers, il a instruit les jeu-
nes hommes.

Les idées sont si fluides, elles se mélan-
gent si intimement, qu'on arrive pas à laisser entrer les bonnes
sans que quelques mauvaises ne les suivent. C'est ainsi que serait

(copie jointe)

۲۴۷



پیچاه و سه نفر

تعدادی از افراد متمایل به مرام و مسلک کمونیستی را دستگیر نماید. به احتمال قوی، چنین پلیسی توانسته با روشهای خاص خود از این افراد بازجویی به عمل آورد؛ زیرا آنان به عقاید کمونیستی خود سریعاً اعتراف کرده‌اند. بدین‌گونه، پلیس تعداد دیگری از هم‌مسلکانشان را توقیف کرد. چنین شیوه برخوردی برای متلاشی کردن گروه وابسته به مسلک کمونیستی تا سال ۱۹۳۶ ادامه داشت تا اینکه در این زمان گروه ۵۳ نفر متهم به داشتن مرام کمونیستی به بند اسارت افتادند. آنان دو سال، در انتظار تشکیل جلسه دادگاه، در بند ماندند تا به اتهاماتشان رسیدگی شود. سرانجام، از یک هفته پیش دادگاه آنان تشکیل شده و مطبوعات ایران، بر حسب روال همیشگی، خلاصه محاکمه را به چاپ می‌رسانند.

رئیس دادگاه عالی جنائی ایران در تدوین کیفرخواست زیرکانه ترفندهای خاصی را به کار بسته است که در زیر به بخشهایی از آن اشاره می‌شود:

۱. مرکز ایرانیان کمونیست در برلن

تقریباً ده سالی می‌شود که دو کشور ایران و آلمان روابط دوستانه، خوبی دارند. شمار زیادی از دانشجویان ایرانی با هزینه دولت جهت ادامه تحصیلات عالی به آلمان و به ویژه به برلن اعزام شده‌اند. یکی از این دانشجویان اعزامی مرتضی علوی نام دارد که نخست به حزب کمونیست در اتریش پیوست و سپس عضو حزب کمونیست در آلمان شد.

علوی با پخش اعلامیه و ایراد سخنرانی در بین دانشجویان مشرق زمین که در انجمنی در برلن جمع می‌شدند فعالانه تبلیغات می‌کرد. تمام تازه‌واردان به این انجمن تحت تأثیر فعالیتهای تبلیغی و عقیدتی او قرار می‌گرفتند. فعالیتهای گسترده و پرنفوذ مرتضی علوی نگرانی دولت آلمان را برانگیخت و سرانجام او را از آلمان بیرون راندند. برجسته‌ترین و شاید بتوان گفت تنها فردی که در این مدت شدیداً تحت تأثیر فعالیتای ایدئولوژیکی علوی قرار گرفت دکتر تقی ارانی، فارغ‌التحصیل رشته فیزیک بود که بعداً به ایران بازگشت.

مرتضی علوی، به هنگام تبعید خود در پراگ، دکتر یزدی دانشجوی سابق پزشکی مقیم برلن را با سپردن رونوشتی از کد رمزی جهت مأموریتی به ایران فرستاد تا پس از ورود خود به تهران آن را به دکتر تقی ارانی تحویل دهد. دکتر یزدی آن رونوشت را شبی به منزل ارانی برده و وی بعد از کشف رمز و برداشتن یادداشتهایی آن را می‌سوزاند.

در این فاصله زمانی، علوی برای فعالیت و تبلیغات بیشتر در مورد ایران در مسکو سکونت گزید. بدینسان روند تبلیغاتی بین اتحاد جماهیر شوروی و مرکز تبلیغاتی جدید این گروه در تهران سرعت بیشتری گرفت.

۲. مرکز ایرانیان کمونیست در مسکو

مسکو شدیداً برای ترویج دادن عقاید کمونیستی خود در ایران فعال بود. جهت نیل به اهداف خود، علاوه بر اینکه به تبلیغات عقیدتی در بین دانشجویان ایرانی مقیم اروپا ادامه می داد، با تعداد زیادی آشوبگر در خاک ایران نیز رابطه داشت. سفارت اتحاد جماهیر شوروی در تهران تحت مراقبت شدید تدابیر امنیتی بود و اعضای آن در برابر این گونه تبلیغات ظاهراً بی اعتنایی از خود نشان می دادند ولی واضح بود که این سفارتخانه در رابطه مستقیم با ارگانهای تبلیغاتی کمونیستی در مسکو بود. مرتضی علوی، روشن و سیف فعالان مرکز ایرانیان در برلن، مسئولیتهای رهبری تمام این گروهها را در خارج و داخل به عهده دارند.

افرادی چون کامران که همیشه در اتحاد جماهیر شوروی به سر می برد و شورشان که در بند اسارت می باشد عهده دار تضمین روابط بین این گروهها بودند.

اما این دو عنصر توانسته بودند از عوامل مؤثر و کارآمد دیگری در رده های پایین اعضای خود که به ظاهر برجستگی خاصی نداشتند از قبیل بهزاد، حسابی و نوری که همچنان در اتحاد جماهیر شوروی هستند و شاهین، کامکار و آذری که در بند اسارت اند، بهره بگیرند. رفت و آمد در نوار مرزی دو کشور ظاهراً مداوم بوده و به سهولت انجام می شده است. تنها حادثه مهمی که در مرزهای دو کشور به وقوع پیوسته مربوط به عبور شورشیان است که نگهبانان مرزی او را به علت نداشتن گذرنامه دستگیر می کنند. کامکار با دادن ۷۵۰ ریال به مأموران ژاندارمری توانسته همکار خود را از اسارت نجات دهد. احتمال دارد که مأموران و عوامل خارجی دیگری به همین گونه (بر اساس اتهامات گروه ۵۳ نفر) وارد خاک ایران شده باشند.

۳. مرکز ایرانیان کمونیست در تهران

به نظر می آید بنیادگذاران حزب کمونیست ایران عبدالصمد کامبخش مدیر سابق شرکت زایس (Zeiss) و نصرالله کامران بوده اند. این نهاد، در آغاز، فعالیتش محدود بوده تا اینکه با ورود دکتر تقی ارانی رونق بیشتری پیدا می کند.

ارانی از زمره افرادی است که اخیراً به مرام کمونیستی رو آورده است. او، که بیشتر از ۳۴ سال ندارد، بسیار با استعداد و تحصیلکرده دانشگاه می باشد. وی مدیر سابق اداره مطالعات صنعتی و استاد دانشکده صنعتی تهران است و به نظر می رسد که ذوق بحث و تا حدودی متکی بودن به خود را از کانون خانوادگی و زادگاهش یعنی آذربایجان گرفته است. علاوه بر اینکه در علوم فردی کنجکاو است در امر تحقیق نیز بسیار کوشاست. به طوری که در نشر دائرةالمعارف علوم ایرانی به شکل جزوه، که سطح آن از چهارچوب دروس تعلیماتی دبیرستانی فراتر می رود، اهتمام ورزید تا چشم اندازی از معلومات عمومی را ارائه دهد. تاکنون جزوات مربوط به ریاضی، فیزیک، شیمی و روانکاوای او به چاپ رسیده اند. تقی ارانی به مسائلی در زمینه های مختلف پرداخته که زمینه سهولت نفوذ و رسوخ در افکار دانشجویان تهرانی را فراهم ساخته است. احتمال دارد به همین جهت بود که مقامات مسکو با مساعدت خود در فعالیتهای عمل و به ریاست رسیدن تقی ارانی در حزب همت گماشتند.

دوستی ارانی با مرتضی علوی جهت دریافت کتاب، جزوه و اعلامیه های کمونیستی از سوی مسکو به توسط همسر یکی از اعضای گروه به نام بهزاد صورت می گرفته است. بدینسان، ارانی در رابطه با رؤسای کمونیست آن سوی مرز از قبیل کامبخش و کامران قرار می گیرد. و به این ترتیب بود که آنان کمیته مرکزی حزب کمونیست را بنیاد نهادند.

کمیته مرکزی

کمیته مرکزی علاوه بر ارانی، کامران و کامبخش از شورشیان (مکانیسین) و بهرامی (پزشک) به عنوان خزانه دار تشکیل شده است. پس از تشکیل هسته مرکزی آن الزاماً گسترش فعالیتهای تبلیغی و عضوگیری ضرورت پیدا کرد. برای تحقق بخشیدن به این امر، اعضای کمیته مرکزی بر طبق حرفه و شغل و نیاز تقسیم بندی شدند:

- ارانی به عنوان مدیر، مسئولیت مطبوعات، بحثهای عقیدتی و فعالیتهای تبلیغی و دانشگاهی را عهده دار بوده.

- بهرامی به عنوان خزانه دار و دریافت کمکهای مالی از مسکو مسئولیت تقسیم آنها را داشته.

- کامبخش عهده دار توزیع کمکهای مالی در بین اعضای فعال حزب بوده است.

- و کامکار و شورشیان وظیفه برقرار کردن رابطه با مسکو را بر عهده داشته اند و توانسته اند در بین مراکز کارگری رخنه و نفوذ کنند.



جمع‌آوری کمک‌های مالی را مرکز تبلیغات ایرانیان کمونیست در مسکو زیر نظر علوی، روشن و سیف انجام می‌داده است. دکتر بهرامی، که در برلن از طریق مرتضی علوی به جمع محفل کمونیستهای ایرانی پیوسته بود، به خواهش مرشد خود و برای دیدن او در سر راه بازگشت خود به ایران به مسکو دعوت شده بود. بهرامی با رفتن خود به مسکو با روشن و سیف آشنا می‌شود و می‌تواند در جلسات عقیدتی هم‌مسلمان خود شرکت جوید و روشن به او دستورها و رهنمودهای لازم را جهت انتقال به تقی ارانی در تهران می‌دهد. بدینسان، بهرامی به محض ورود به پایتخت ایران فوراً پیامها را در اختیار ارانی قرار داد. نقش دکتر بهرامی در این گروه تنها به انتقال پیام از خارج به داخل کشور محدود نمی‌شود زیرا کمک‌های مالی نه از مسکو و نه از طریق سفارت اتحاد جماهیر شوروی در تهران به کمیته مرکزی کمونیستها می‌رسید بلکه این کمک‌ها از پاریس به آدرس بهرامی در تهران فرستاده می‌شد و وی با استفاده از پوشش شبکه‌های کامببخش آنها را میان هم‌مسلمان خود در ایران توزیع می‌کند. احتمالاً، در صورت ضرورت، برخی از مواقع کمک‌های مالی از تعدادی از اعضای کمیته گرفته می‌شده.

شیوه‌های تبلیغات

دستورهای تبلیغاتی جهت رسوخ در بین مردم از کمیته در مسکو به تهران به مرحله اجرا درمی‌آمد که به گفته تقی ارانی: «طبق درخواستهای هفتمین کنگره کمونیستها: برقراری روابط بین اشخاص بایستی دو به دو صورت گیرد.»

اغلب مواقع جلسات عقیدتی در منزل تقی ارانی برپا می‌شود. در آنجا در مورد مسائل فلسفی، الهیات، مادیگری و کمونیسم به بحث می‌پردازند. شرکت‌کنندگان در مجمع وقتی متقاعد می‌شدند و اصول مرام کمونیستی را می‌پذیرفتند به نوبه خود با همان شیوه برای جذب افراد دیگر یا به میدان تبلیغات می‌نهادند. با چنین اقدامی، ترویج مسلک کمونیستی و همچنین عضوگیری در بین دانشجویان مؤثر بود؛ ولی برای جذب افراد عادی روشهای ملموس‌تری از قبیل پخش اعلامیه و جزوات به کار می‌رفت. آنها، با وجود در اختیار داشتن ماشین تحریر، جزوات زیادی را دوباره رونویسی می‌کردند. گفته می‌شود برای انجام دادن چنین کاری افراد زیادی از داوطلبان پیشقدم می‌شده‌اند. این گروه برای ترویج و گسترش افکار خود، کتابهای متعددی را به زبان فارسی برگردانده‌اند. تقی ارانی جزوه بحث‌انگیزی را در مورد روز کارگر، اول ماه مه، به طبع رسانده بود که وی را به علت «نشر اکاذیب» بر ضد نظام، محکوم کرده‌اند.

سرانجام، کمیته مرکزی حزب کمونیست در تهران برای نفوذ بهتر در بین دانشجویان، به همت ارانی یک نشریه علمی به نام مجله دنیا منتشر نموده که در آن به مسائل علمی می‌پردازد. گفته می‌شود که تقی ارانی برخی از افکار کمونیستی خود را در آن به رشته تحریر درآورده است. از دیگر تبلیغات این گروه می‌توان برانگیختن کارگران اصفهان و دانشجویان تهرانی را به اعتصاب نام برد.

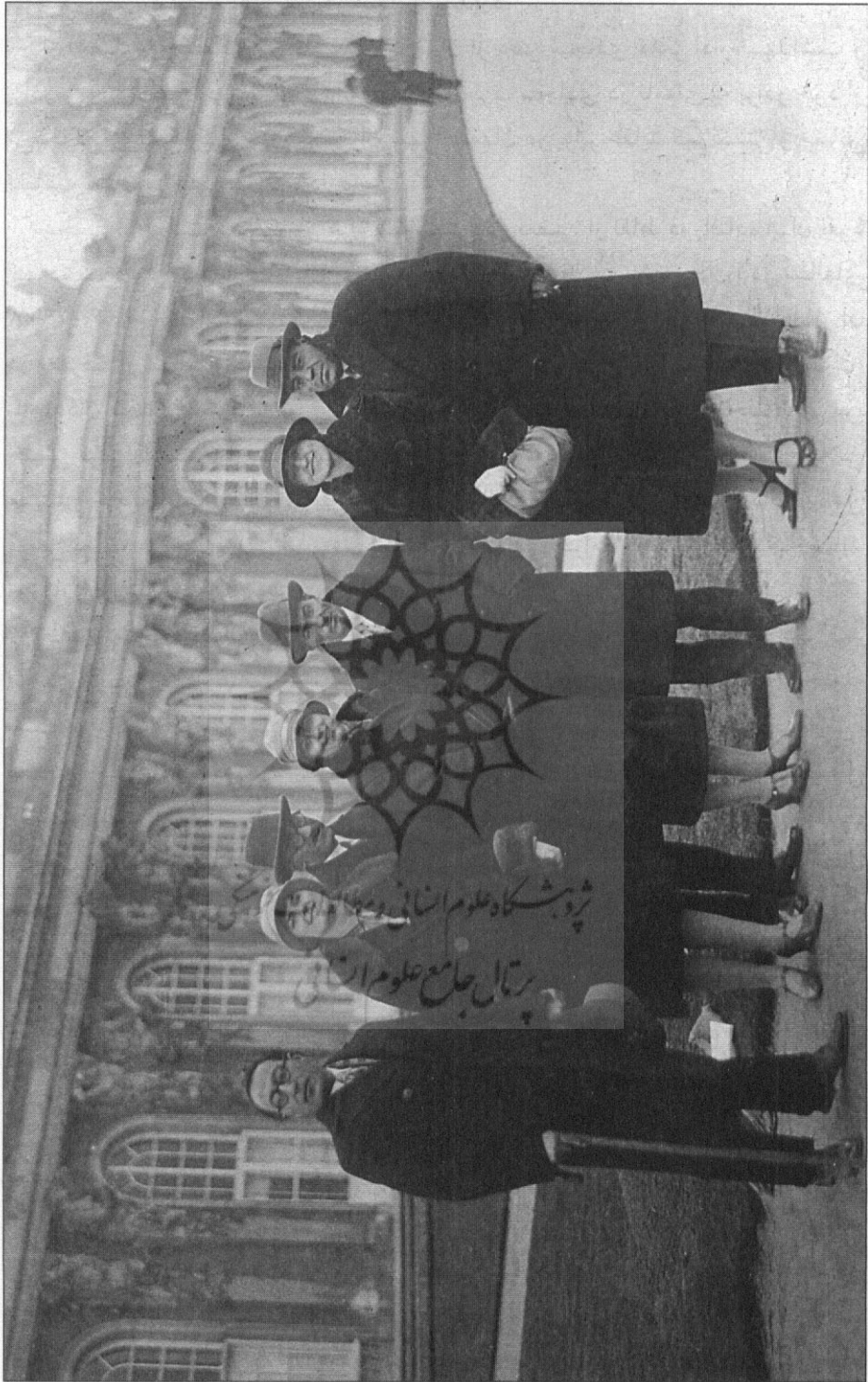
مراکز تبلیغاتی

اصولی به نظر می‌رسید که در نتیجه حضور اعضای اصلی کمیته در تهران، این شهر به یکی از مراکز فعال تبلیغاتی درآید و تمامی فعالیتها در آن متمرکز بشود که دانشگاهی بودن رؤسای آن یکی از دلایل این امر است. دانشجویان از جمله خوانندگان اصلی مجله دنیا بوده‌اند. و تقی ارانی، با داشتن یک آرشیو غنی از منابع مختلف، جزواتی را با مطالب گوناگون از جمله در مورد مرام کمونیستی و نژادپرستی و دریغ نکردن از تشریح و تفسیر مقالات ایدئولوژیکی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد. به همین جهت، فعالیت و نفوذ گروه ارانی در میان دانشجویان ثمربخش بود؛ به طوری که نزدیک به ۱۰ نفر از آنان به خاطر تحت تأثیر افکار کمونیستی قرار گرفتن، دستگیر و محکوم شده‌اند.

آنها در منزل تقی ارانی، با تشکیل جلساتی به اظهارنظر درباره ماتریالیسم می‌پرداختند. ارانی حتی برای بنیاد نهادن «کانون دانشجویان» اهتمام ورزیده و توانسته بود نزدیک به ۳۰ عضو فراهم آورد که آنان «دست او را خواندند» و از کانون درآمدند. با وجود این، کمیته مرکزی را به خاطر برانگیختن اعتصاب دانشکده صنعت محکوم کرده‌اند.

تبلیغات و رسوخ در میان مردم فقط به تهران محدود نمی‌شد، بلکه سایر اعضا در شهرستانها نیز در تلاش بودند از جمله:

- شورشیان در شهر اهواز مرکز کمونیستی این شهر را تأسیس می‌کند؛
 - «سید محمد» در خوزستان در همین راه قدم برمی‌دارد؛
 - آذری تشکیل دهنده مرکز کمونیستی در گرگان است؛
 - رسائی به تشکیل مرکزی در خراسان اهتمام می‌ورزد.
- یکی از مراکز مهم تبلیغاتی کمونیستها شهر اصفهان بود که توسعه کارخانه‌های نساجی آن را به صورت یکی از شهرهای مهم در این زمینه درآورده است. کامران، که اخیراً از مسکو به ایران بازگشته، در یکی از کارخانه‌های نساجی موسوم به «وطن» تحت نام مستعار: «مرادی» کار می‌کند و این کارخانه را به هسته فعالیت‌های کمونیستی تبدیل



برلن ۱۹۲۷؛ علی دشتی، تقی ارانی و ابوطالب شیروانی [۱۳۸۷-ع]

ساخته و حتی توانسته اعتصابی در آنجا راه بیندازد.

از اعضای روشنفکر گروه اصفهان می‌توان از دکتر سجادی مدیر اداره بهداشت و برادرش (وی اکنون در زندان بسر می‌برد)، نام برد. سجادی در نامه‌ای به برادر خود از بی‌تحرکی‌ای که کارگران و روشنفکران شهر اصفهان در برابر عقاید کمونیستی و مسائل سیاسی نشان می‌دهند، شکوه دارد.

عجیب این است که افکار و مرام کمونیستی در بعضی از نقاط دورافتاده ایران نفوذ کرده بود ولی در آذربایجان، دیاری که پرچم انقلاب مشروطه را در سالهای ۱۹۰۸-۱۹۰۶ برافراشت و یکی از مراکز پرنفوذ روسیه بود و حتی تا ۲۰ سال قبل از آن در تصرف روسها قرار داشت و همچنین منطقه‌ای بود مملو از اقلیت مذهبی ارمنیان، پناهندگان قفقازی و محل اصلی روابط بازرگانی ایران و روسیه، چندان تحت تأثیر این جنبش قرار نگرفت. هرچند که نیمی از افراد گروه ۵۳ نفری آذربایجانی و یا گیلانی هستند؛ خاصه اینکه سران آن مثل تقی ارانی اهل آذربایجان و کامبخش و کامکار اهل قزوین‌اند. به هر حال، تأثیر نپذیرفتن آذربایجان از این مرام، معمایی است که شاید روزگاری روشن خواهد شد.

ظاهراً به لحاظ قضائی، مسئولان این دادگاه تا آنجا که توانستند از قدرت خود بر ضد این گروه بهره جسته‌اند تقی ارانی را به اتهامهای گوناگون متهم کرده‌اند که از آن جمله است: دریافت نامه‌های یکی از دوستان خود، پناه دادن پسرعموی خود به خانه‌اش، تحصیل زبان روسی در یک مدرسه روس در ایام جوانی، بحث کردن در مورد مسائل مختلف فلسفی، سیاسی و اجتماعی، به راه انداختن مجله دنیا و به چاپ رساندن جزواتی در مورد مسائل طبیعی. همه این عوامل زمینه محکومیت ارانی را به ده سال حبس انفرادی فراهم آورد. دادگاه از دسیسه‌سازی جهت افزایش اتهامات به ارانی به هیچ‌وجه کوتاهی نکرد و وی را به علت فعالیت بر ضد استقلال و امنیت کشور به زندان انداخت.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که نفوذ و قدرت واقعی این جنبش تا چه اندازه است و چه آینده‌ای خواهد داشت؟

باید اذعان نمود که نفوذ و کارایی آن جنبش بسیار ضعیف می‌باشد. در طول تاریخ ایران، ساختار اجتماعی و سیاسی این کشور ترکیبی از نظام سلطنتی و فئودالیت بوده است. به نظر می‌رسد که این کشور هنوز به لحاظ افکار اجتماعی و سیاسی آمادگی قطع رابطه با سنت دیرینه خود را ندارد. در ۳۰ سال پیش، تأسیس حزب دمکرات مفهومی جز یک خیال واهی برای مردم نداشت و به راه انداختن چنین نهادی بیشتر مایه بحث کردن در گوشه و کنار کوچه و بازار بود تا اینکه یک حزب سیاسی باشد و بتواند در مورد

امور سیاسی و اجتماعی کشور متعهد و کارساز باشد. وانگهی، ایرانیان هنوز با مفاهیم ایدئولوژیکی ما غربیها به خوبی آشنا نیستند[!].

در قرن ششم میلادی، متفکری به نام مزدک عقایدی کمابیش مشابه با مرام کمونیستی را در ایران مطرح ساخت و سخن از تقسیم و اشتراک آب و خاک و زن به میان آورد. شاید بتوان گفت در عصر ساسانیان مطرح ساختن و سخن گفتن از چنین عقایدی امکانپذیر بود ولی هنگامی که مردم وارد عمل شدند و در صدد به تحقق رساندن مرام مزدک برآمدند شاه شاهان امانی به مزدک نداد و فرمان داد سر او را از بدن جدا کنند. بدینسان، این اندیشه در همان زمان به فراموشی سپرده شد. چنین روایتی بیش از نقل قولی از یک جنبش انتزاعی نیست و بیشتر جنبه نمادین دارد تا حقیقتی، هرچند رؤیا و الگوی تمام جنبشهای سیاسی در ایران است. آنچه مسلم است ایرانیان روحیه انقلابی عمیقی در زمینه معتقدات خود ندارند به طوری که پادشاه پرچم اصلاحات را در دست می‌گیرد و، با توسل به زور، اصلاحات را به آنان تحمیل می‌کند.

با آنکه ایرانیان در برابر مسائل سیاسی چندان تحرکی از خود نشان نمی‌دهند، به اندیشیدن درباره مسائل فلسفی و دینی شدیداً علاقه‌مند هستند. در این کشور نه تنها طلایه‌دارانی به دور این گونه افکار حلقه زده‌اند بلکه پیروان زیادی سخت درگسترش آن در تلاش‌اند. ایرانیان چندان قادر به مبارزه در راه آزادی نبوده‌اند؛ از این‌رو، در قرن گذشته، عده‌ای از آنان به طرفداری از عقاید فرقه بابی و بهائی علم طغیان بر ضد حاکمان وقت برافراشتند.

گفته می‌شود که مردم مشرق‌زمین، به ویژه ایرانیان، امروز سریعاً عصیان می‌کنند و به راحتی به مخالفت با دولت برمی‌خیزند و با کمترین بهانه‌ای به هیجان درمی‌آیند. دو سال پیش، یعنی در تابستان سال ۱۹۳۷، که من تازه وارد ایران شده بودم و گروه ۵۳ نفر به زندان افتاده بودند، تعداد زیادی از درجه‌داران نیروهای نظامی ارتش ایران، به علت درآمد ناچیز خود، شورش به پا کرده بودند؛ حتی سخن از دستگیری بسیاری از آنان و اعدام دسته‌جمعی‌شان بر سر زبانها بود.

در میان محکومین گروه ۵۳ نفر، نزدیک به ۱۰ نفر کارگر، ۱۰ نفر دانشجوی، تعدادی از کارمندان دولتی اعم از اداره تریاک، اداره کمیسیون ارز خارجی، تعدادی پزشک، وکیل، معلم و استاد دانشگاه و همچنین چند نفر مدیران مدارس شهرهای مشهد، آبادان، گرگان و شیراز وجود دارد.

تا زمانی که معلمان به مرام کمونیستی گرایش دارند، خطری جامعه ایران را تهدید نمی‌کند و مشکلی برای آن در بر نخواهد داشت. اما چنانچه این مرام در میان نیروهای ارتش رسوخ نماید و به هسته آن نیروها برسد در آن صورت عصیان در بین نظامیان

گسترش خواهد یافت، به یقین موجب نگرانی دولت خواهد شد. خاطرنشان می‌شود تا زمانی که رضاشاه در قید حیات است نگرانی از این بابت نخواهد بود. با وجود این، نگرانی جدیدی که در صحنه سیاسی ایران پدید خواهد آمد آن زمانی است که ابرهای تیره در آسمان ایران و بر سر پادشاه اصلاحگر[!] آن سایه افکند. و جانشین رضاشاه از خود ضعف و سستی نشان دهد. در آن صورت، شیرازه جامعه ایران از هم خواهد گسیخت.

ایران تاکنون هیچ حزب سیاسی ای نپذیرفته است. از دیرباز تاکنون عام و خاص مطیع پادشاه بوده‌اند. آیا رضاشاه برای آینده ایران برنامه‌ای دارد؟ در گذشته، فقط رؤسای قبایل بودند که می‌توانستند با پادشاه به رقابت برخیزند و آمریت مطلقه او را محدود کنند ولی حالا دیگر خبری از این رؤسا نیست و عشایر هم تخت قاپو شده‌اند. اما رضاشاه در حال به وجود آوردن یک قشر اجتماعی سرمایه‌دار از میان کارمندان، دانشگاہیان و طبقه کارگر می‌باشد و صنعتی کردن سریع جامعه ایران این برنامه او را تقویت خواهد کرد. اینکه نظام پهلوی ۱۵ سال است تمام امور را در دست دارد تنها به این علت است که رؤسای قبایل، یکی پس از دیگری، از صحنه رقابت با رضاشاه حذف شده‌اند. اما احتمال خطر شعله‌ور شدن شورش در ارتش وجود خواهد داشت. چنانچه سلطنت پهلوی ۱۵ سال است که در این کشور برقرار است، یقیناً طبقه سرمایه‌دار و قشر کارگر جامعه ایران به حد بلوغ سیاسی رسیده‌اند که بتوانند به ایجاد خمیرمایه‌های افکار عمومی کمک کنند. این مطالب درس عبرتی است که از دادگاه گروه ۵۳ نفر گرفته می‌شود و نشان‌دهنده شکل جدیدی از نفوذ روسیه در ایران خواهد بود.

پرویشگاه علوم انسانی - مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

وزارت امور خارجه

کابینه وزیر

بخش اخبار و مطبوعات

جمهوری فرانسه

پاریس ۸ آوریل ۱۹۳۱

شماره ۸-۳۶۴-E

یادداشت برای بخش آسیا - اقیانوسیه وزارت امور خارجه

بوسیله یادداشت ارسالی بتاريخ ۲۰ ماه مارس گذشته بخش آسیا - اقیانوسیه به منظور آگاه ساختن بخش اخبار و مطبوعات مرقوم فرموده و نامه نمایندگی ایران در پاریس به تاریخ ۵ مارس ۱۹۳۱ مربوط به روزنامه پیکار به زبان فارسی و همراه آن نامه‌ای



برای اینکه ملت زحتکش ایران زنده ماند باستانی حکومت فئودالی رضا خان از صفحه تاریخ محو بشود

پیکار

پدافند ایران، هر دو ملت پیکار ملت ایران، شماره ۱۱، در تهران، آدرس: Berlin W 13, Pariser Strasse 52, تلفن: ۱۱، در وقت: ۱۱، شماره: ۱۱، در وقت: ۱۱، شماره: ۱۱

رضا خان و فئودالیزم در ایران

جراته انگلیس و ایران مرتباً در شمالی در خصوص پادشاهی حکومت پهلوی برای سر کردن اصول فئودالی در ایران ملاحظه میشود. تاکنون کسی دیده چندین که در این کشور با این انگلیس با یکدیگر بوده این نظرها بسیار جنبانده. این دو دولت است که هر دو دولت است و اینها را از برای ترویج این موضوع مستمراً دورها که در شانها شروع میدهند با اینان منتقد ایران نبود در نظر می آید. بطور کلی سابقه است که چهره انگلیس و انگلیس و برای در ایران شی از انقلاب ضرورتاً ایجاد انگلیس و برای در حکومت فئودالی و ایجاد شرق و بازرگانی تهرانی و تبریز و ایجاد چندین و یکی از شعارهای مهم انقلاب ایران این بود که باید هر چه را دولت و دولت تهرانی و تبریز و تبریز و سایر افرادی که استیجابات ملی را نمین نماید، محسوس نبود. آیا باید چه بود که کلیه شعارها که در دوره توطئه نثری انقلابی بود چه بود که کلیه شعارها که در دوره توطئه و مصلحت پرورانه ترانست چه بود باید باشد. چگونه میتوان با این امپریالیزم روس و انگلیس میتوان تواق نظر برای کسب ممالی ایران حاصل نگردد و زمین جیت باید داشت که حکومت کاپیتالیستی برپا باشد و اینها را برای فئودالی ایران (کاپیتالیستی و فئودالی) آسان کرد. موقوفات از یک دنیا انگلیس ترواج بود. بطور مستمر چنان گشت که وضعت ایران کاپیتالیستی جیت جیت بود. امروزه ملت جیت در حدمه چندین گردن شود چنانکه باید است اصلاح ترقی در ایران و امریکا و انگلیس و غیره که هر کدام مسترامت پهلوی برای خود داشته باشد هر دو در هر کدام

پیکار که ترقیهای بین المللی و مصلحت طلبی بر سر اندازی از دولت حکومت فئودالی و حکومت فئودالی در ایران بود و این امپریالیزم روس و انگلیس و غیره که هر کدام مسترامت پهلوی برای خود داشته باشد هر دو در هر کدام

حکومت پهلوی پرورنده شایسته خود نتوان میدهد. تا اینکه این توطئه را در فئودالی بر نمائند. بلکه در این توطئه مصلحتی نیست که در وقت کشیدن این است که با چگونگی مصلحتها و حکومت پهلوی که از طرف انگلیس و روس برپا شود دیده شد. در این زمان که در وقت کشیدن این است که با چگونگی مصلحتها و حکومت پهلوی که از طرف انگلیس و روس برپا شود دیده شد. در این زمان که در وقت کشیدن این است که با چگونگی مصلحتها و حکومت پهلوی که از طرف انگلیس و روس برپا شود دیده شد.

فشار از حلقه پروردگار حکومت پهلوی و مهاجرت دوم از تیز زار خلع قهر

بهر چه انگلیس این مصلحت پرورنده و مصلحت طلبی بر سر اندازی از دولت حکومت فئودالی و حکومت فئودالی در ایران بود و این امپریالیزم روس و انگلیس و غیره که هر کدام مسترامت پهلوی برای خود داشته باشد هر دو در هر کدام



از وزارت کشور را ارسال کردند. یک نسخه از شماره اول، سال یکم، تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۳۱، روزنامه پیکار ضمیمه دو نامه مذکور بود.

بخش اخبار و مطبوعات به اطلاع قسمت آسیا - اقیانوسیه می‌رساند که بعد از بررسی نسخه مذکور روزنامه پیکار، روزنامه‌ای با گرایش آشکار به بلشویکها می‌باشد. لذا این بخش به وزارت کشور پیشنهاد می‌کند که مسئله این روزنامه را پیگیری نماید. اما قبل از گرفتن هر تصمیمی جویای آگاهی از نظر این بخش در مورد توقیف احتمالی روزنامه پیکار می‌باشد.

[۳]

پاریس: ۲۷ مه ۱۹۳۱
وزارت کشور
اداره امنیت کل کشور
رکن چهارم

از نخست‌وزیر و وزیر کشور

به آقای وزیر امور خارجه (کابینه - بخش اخبار و مطبوعات)

مفتخراً به اطلاع جناب عالی می‌رسانم: بر حسب حکم ویژه‌ای که به تاریخ امروز گرفته شد و رونوشت آن به پیوست خدمتتان تقدیم می‌گردد، فروش و توزیع روزنامه پیکار را در سراسر خاک فرانسه ممنوع اعلام کردم. خواهشمند است نسبت به وظایف حوزه خود دستورهای لازم را جهت اجرای چنین تصمیمی صادر بفرمایید.

از طرف نخست‌وزیر و وزیر کشور

[۴]

وزارت کشور
اداره امنیت کل کشور
رکن چهارم

نخست‌وزیر و وزیر کشور

طبق ماده ۱۴ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱

طبق ماده یک قانون ۲۲ ژوئیه ۱۸۹۵

هیئت دولت مقرر می‌کند:



حکم: ...
 ماده ۱. فروش و پخش روزنامه پیکار چاپ برلن به زبان فارسی در سراسر خاک فرانسه ممنوع اعلام می شود.
 ماده ۲. قائم مقام کل وزارت کشور و اداره امنیت کل کشور مسئولیت اجرای این حکم را بر عهده دارند.

پاریس ۲۷ مه ۱۹۳۱

امضاء: پ. لاوال

[۵]

بخش آسیا و اقیانوسیه

۱۵ آوریل ۱۹۳۲

شماره E-۳۶۴

جهت اطلاع بخش اخبار و مطبوعات

موضوع: توقیف احتمالی روزنامه فارسی زبان نهضت

بخش اخبار و مطبوعات قسمت آسیای وزارت امور خارجه با ارسال یادداشت مورخ چهاردهم همین ماه، خواستار شد چنانچه ایرادی نسبت این وزارتخانه به وزارت کشور پیشنهاد نماید تا نسبت به توقیف روزنامه انقلابی نهضت به زبان فارسی چاپ برلن، که جایگزین روزنامه پیکار می باشد، اقدام کند.

بخش آسیای این وزارتخانه مفتخراً به اطلاع بخش اخبار و مطبوعات می رساند که هیچ اعتراض و ایرادی جهت توقیف روزنامه مزبور در مد نظر نمی باشد.

م. گالوا

۱۴ آوریل ۱۹۳۲

[۶]

بخش اخبار و مطبوعات

۹ آوریل ۱۹۳۲

بخش مطالعه مطبوعات خارجی

شماره ۳۲/۱۹۸

یادداشت درباره روزنامه نهضت

روزنامه نهضت به زبان فارسی که در برلن به نشانی شماره ۴۸، ویلهلم اشتراسه و



صاحب امتیازی اریش رینکا (Erich Rinka) به چاپ می‌رسد، که اولین شماره آن، مورخ اول ماه مارس ۱۹۳۲ در اینجا مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله روزنامه‌هایی است که علم مخالفت سرسختانه و تند بر ضد شاه و دولت ایران برافراشته است. این شماره حاوی مقالات زیر است:

«ما و نظام خونخوار پهلوی»، «ایران و بحران اقتصادی جهان»، «آزادی بیان در قانون اساسی پهلوی»، «مطبوعات تهران و کارگران ایرانی»، «ننگ برای اعلیحضرت پادشاه ایران»، «تجربیات سیاسی»، «اعتصاب کارگران نساجیهای اصفهان»، «اوضاع روستاییان ایران»، «وضع زندانیان در زندانهای ایران (نامه از اصفهان)»، «دیگ به دیگچه میگه روت سیاه».

سرمقاله این روزنامه تحت عنوان «ما و رژیم خونخوار پهلوی» بسیار تند به نظر می‌رسد. روزنامه بعد از یک بررسی کلی از بدبختی روستاییان و کارگران ایرانی تحت ستم و چپاول فئودالها و به ویژه تیمورتاش (وزیر دربار) و همکاران او، اطمینان خاطر می‌دهد که جنبش انقلابی ایران به صورت نهان است و به زودی سازماندهی خواهد شد و نظام مستبد پهلوی را واژگون خواهد نمود و یک دولت جمهوری دمکراتیک به جای آن مستقر خواهد کرد. در نظام پهلوی هیچ اثری از مشروطه باقی نمانده است. همه چیز ممنوع است؛ آزادی بیان و تجمع وجود ندارد....

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





SERVICE D'INFORMATION

9 avril 1932.

134

DE FRANCE

Section d'Etude
de la
Presse Etrangère

NOTE
sur le "Kihnet".

32/198

Le Kihnet ("Le soulèvement"), journal de langue persane, publié à Berlin, W.8, Wilhelmstrasse, 48, (gérant Arich Hink), dont le n° 1 du 1er mars 1932 a été soumis pour examen, affiche une hostilité violente contre le Shah de Perse et le gouvernement persan. Le numéro contient les articles suivants:

"Nous et le régime abject pahlévi.- La Perse et la crise économique mondiale.- La liberté de parole dans la constitution pahlévi.- Les journaux de Téhéran et les ouvriers persans.- Une humiliation pour Sa Majesté impériale.- Les expériences politiques de la grève des tissaranas d'Ispahan.- La situation des paysans persans.- Le régime des détenus dans les prisons persanes (lettre d'Ispahan).- "Un chandron dit à un autre chandron - ta face est noire".

NOUS ET LE REGIME ABJECT PAHLEVI.- L'article de tête est particulièrement violent, après avoir brossé à grands traits un tableau de l'existence misérable des paysans et des ouvriers persans, opprimés et pillés par des féodaux et surtout par Teftakch (ministre de la cour impériale) et ses collaborateurs, le journal assure que le mouvement révolutionnaire persan, qui en est actuellement au stade de l'enfance, sera bientôt organisé, et renversera l'atroc régime autocratique pahlévi et établira un gouvernement républicain démocratique. "Dans le régime pahlévi il ne reste plus aucune trace de la constitution. Tout est interdit. La liberté de parole et de réunion n'existe pas. La presse

۲۶۱

پنجاه و سه نفر

عو باد قوانین توحش و بربریت
نژنده باد جنبش زحمتگشان ایران
زنده باد انقلاب ملی ایران!

پیکار

بند اشتراک در ایران : آژانس اداره :
Berlin W 15, Pariser Straße 52
In Schenckung Dr. Carl Witten, Berlin W 13
آبر چاپ :
ماهانه ۵۰۰ ریال
شماره ۱
مژده اول
برای ۱۰ روز ۱۵۰ ریال
برای ۳ ماه ۴۰۰ ریال
برای ۶ ماه ۷۰۰ ریال
برای ۱ سال ۱۲۰۰ ریال
No. 2
15. Julet 1921
1^o Annee

قوانین مصوبه به دولت مرتجع پهلوی بر علیه فرقه کمونیست ایران و وظایف فرقه کمونیست ایران

۱ - در روزهای مهی مرتجع که سابقاً، یعنی در وقت پست عهد کبری فزوحاتین پیکر که بواسطه لغات حکومت وندی ملائیم مسلطاً بریده حکومت مرتجع طهران قیام کردیم. یوه اشیراً بریده برای ترقای دستگیر زدهار آریخته شد.

۲ - عهد خان که یکی از انقلابان دوره انقلاب ایران بشیر میرفت و همی بود که باند کبری از لرغین و تلاسین فیکر که بواسطه قنار مالیات حکومت مرتجع طهران چنان آمدن بودند دستنگهای ملازمان و گیلان برنه تعذبات دولت ارتجاعی پهلوی مشغول نه و خود به با ترقای شاق بودند اشیراً بدست ترقای اشیر شتر شد و در شیر رشت بدار آریخته شد.

۳ - در روزهای اشیر سیدما انترناسی سرحدی (استدا وادبول) قریب صد خر از انقلابیوندا (چیرم کمونیست بودن) پایی پهلوی ترفینه وچیس شویوه ویشتر از چندین صد خر هم موقی ترقای پرتوجه گردیدند.

دوین مجوسین اشچاسی بول تیز میانشند.

تروی، حزب، سادفغان، صد شویوه سیای اقلی و غیره این اقدام از طرفه رئیس پایی گیلان شخصاً آتیاید گرفت و بموجب دستور مؤکدی که از طرفه رئیس پایی طهران داشت باین اقدام میادیت نمود.

خفه نمودن مدیس درصصن تاین رجوه شویوه پسنده ۴

ایرانیان انگلیس هر روز برای خفه کردن توده های تاراشی ملت ایران قوانین عصر و دودیه قرون وسطایا بوضع ایرانه میگذارند ما هم پانها عملاً نشان میدیم که از این فتارهای وحید آنها نبراسید و از عملیات طرد مست یز سیداریم امروز حیثاً می بینیم که پایی بی طرفه پهلوی با نهایت قنوات فوج عناصر کمونیست و جمهوری طلب و انقلابیوندا در سیاه پتالیهای محسب استبدادی خود می انگازند. پس باستی آنها هم از عناصر کارگر و زحمتین یککست کارگران جدیدی فعال تپه و تدارک شایند تا با این رژیم لودایی و شاق نشان مبارزه خودرا ادامه دهند و باستانات خود وسیع دهاتین و کارگران زحمتگشان حکومت فعال ما پشالی پهلوی را بسوز و سرنگون نماییم.

آ. سلطان زاده

و شدت با کورانه اقتصادی و ملیانانگی بی بدینی دهاتین بر علیه ملائیم و حکومت پوتالی ایران بوقیلت های سریع حاضر کمونیست دهاتیر ادوات کمونیستی حکومت مرتجع پوتالیانرا میجوهر وادار ساخته که جدا قانون جدیدی بر علیه فرقه کمونیست ایران و جمهوری طلبان وضع و بوضع اجری میگذارند.

سیدر نکشت است که همین بزرگان بیوفاتش در بدست تریون پارلمان اشکار وجود حزب کمونیست و فرقه جمهوری انگلیس را کردند. هنوز مرتکب آن گنه های دشمنانه فیس و ترفوش خشک تمدن که می بینیم بپوست حسین بزدوان پهلوی قانونی که فقط وقف تخریب دودیه و عصر بربریت و توحش و دیگلا و بود است برنده فرقه کمونیست ایران و حزب جمهوری شب شویوه روسی اجری گذاشته میشود. باین قانون چه هر فرد از افراد کمونیست و یا جمهوریخواه ایرانی و هر غیر ایرانی اقلیتی که بخواهد برای آزادی خودشان اقدامی کنه چیس قیته تا ده سال با حیس مؤید با امتحان شاقه و مبار خواهد گردید. محسب اینکه بموجب

جنایت های تازه حکومت

با زیر شیکه از ایران بادیه رسیدن سیدما حکومت مرتجع پهلوی میادیت بدر حیات عشی کرد.

